

فرق میان ضروری و هدف

لباس‌های گران‌قیمت برسند و چون تمام همتشان رسیدن به این قبیل امور است، از هدف‌های اصلی زندگی غافل می‌شوند و سبکی از زندگی را در پیش می‌گیرند که در آن، هدف‌های برتر و متعالی حضور ندارند.

نتیجه این سبک زندگی آن است که اگر از دانش‌آموزانی که در این خانواده‌ها رشد کرده‌اند، پرسیم، هدف برای آینده چیست؟ فوراً تصور می‌کند که ما می‌پرسیم در آینده چه شغلی را انتخاب خواهد کرد. به همین جهت شغل مورد نظر خودش را می‌گوید. مثلاً می‌گوید می‌خواهم مهندس یا پزشک یا خلبان و یا تاجر شوم. به‌ندرت پیش می‌آید که کسی به اهداف واقعی زندگی اشاره‌ای کند و یکی از آن‌ها را به‌عنوان هدف زندگی مطرح نماید.

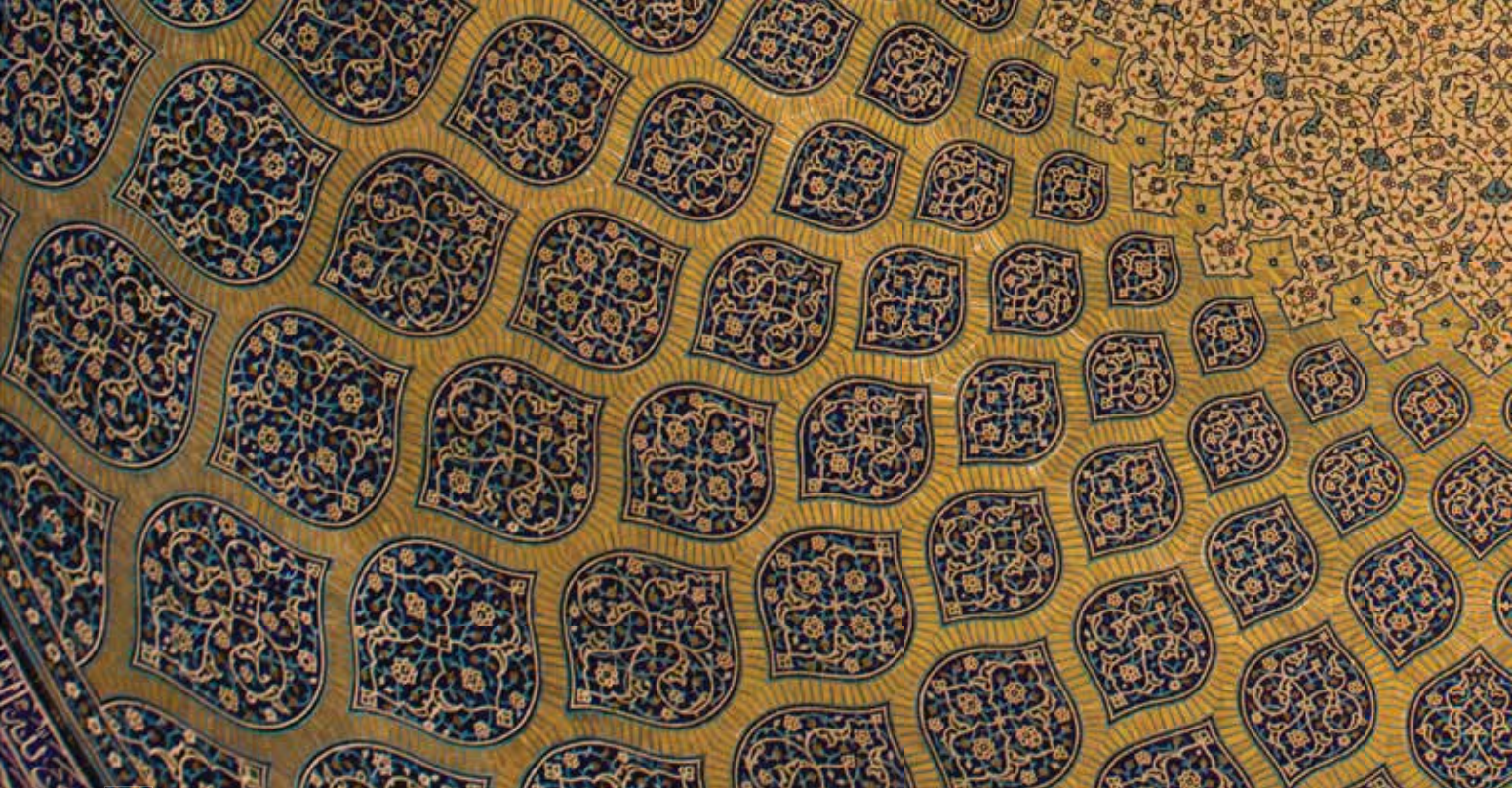
این وضعیت، بنابر نگرش دینی، یک آسیب فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود که نیازمند اصلاح بنیادی و زیربنایی با تمرکز بر نهاد آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت رسمی است.

ممکن است بپرسند که اگر در فرهنگ عمومی ضروری‌ها جای اهداف را بگیرند، چه مشکلی بروز خواهد کرد؟ یکی از مشکلات اساسی که پدید خواهد آمد، این است که رقابت‌های افراد، خانواده‌ها و جامعه متمرکز بر همین امور خواهد شد و هر فردی و هر خانواده و جامعه‌ای می‌کوشد که در این امور گوی سبقت را از دیگران برآید و در وضع بالاتری قرار بگیرد. هر فردی می‌کوشد خانه‌اش،

برخی از امور برای زندگی ضروری‌اند و ضرورتشان آن‌قدر زیاد است که بدون آن‌ها نمی‌توان زندگی کرد. آب، اکسیژن، غذا و مسکن از این قبیل‌اند. شغل و کسب درآمد هم مانند آن‌هاست. ما، با کار کردن و کسب درآمد، نیازهای روزانه خود را برطرف می‌سازیم و به زندگی ادامه می‌دهیم. این امور، در عین اهمیتشان، هدف زندگی نیستند و برای آن‌ها زندگی نمی‌کنیم، این‌ها ابزار زندگی ما در دنیا هستند، نه اهداف زندگی.

شاید برخی بگویند که اگر این امور ضروریات زندگی ما هستند، بهتر است زندگی خود را صرف همین امور ضروری کنیم و برای هر چه بیشتر به‌دست آوردن آن‌ها تلاش نماییم. اما باید توجه این‌گونه افراد را به این نکته جلب کرد که نباید ضروری را به‌جای هدف گذاشت و هدف را فراموش کرد. کسی که می‌خواهد از شهری به شهر دیگر برود، ضرورتاً باید مسافت بین دو شهر را بپیماید. او نباید فکر کند که چون عبور از جاده ضروری است، به خود جاده سرگرم شود و شهر مقصد را فراموش کند.

برخی از مردم، حتی گروهی از اهل فکر و نظر، پدران و مادران همین دانش‌آموزان طوری در زندگی رفتار می‌کنند که گویا برای همین ضروری‌ها به دنیا آمده‌اند و باید فقط به دنبال همین امور باشند. این گروه از افراد تمام تلاششان را صرف آن می‌کنند که به مسکن عالی، اتومبیل آخرین مدل، مبلمان راحت، غذاهای لذیذ،



(حدید، ۲۱).

«و منهم سابق بالخیرات باذن الله» و گروهی از عباد خدا کسانی هستند که در نیکی‌ها سبقت می‌جویند (فاطر، ۳۲). «اولئک یسارعون فی الخیرات و هم لها سابقون» چنین کسانی در خیرات سرعت می‌گیرند و از دیگران پیش می‌افتند (مؤمنون، ۶۱).

یکی از مسئولیت‌های نظام تربیتی جامعه، برنامه‌ریزی برای فهم درست دانش‌آموزان از «ضرورت‌ها» و «اهداف» و تفاوت میان آن‌ها و جایگزین نکردن یکی به جای دیگری است. این مسئولیت که با بیان‌های دیگر در سند تحول آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی آمده، یک مسئولیت فراحوزه‌ای و فرادرسی است

یکی از مسئولیت‌های نظام تربیتی جامعه، برنامه‌ریزی برای فهم درست دانش‌آموزان از «ضرورت‌ها» و «اهداف» و تفاوت میان آن‌ها و جایگزین نکردن یکی به جای دیگری است. این مسئولیت که با بیان‌های دیگر در سند تحول آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی آمده، یک مسئولیت فراحوزه‌ای و فرادرسی است که مجموعه برنامه‌های درسی، به‌خصوص درس‌های حوزه علوم انسانی باید بر عهده بگیرند و از طریق اصلاح و ارتقای تفکر دانش‌آموزان، فرهنگ عمومی را اصلاح کنند.

البته حوزه درسی حکمت و معارف اسلامی و قرآن کریم علاوه بر آن مسئولیت عام، مسئولیت ویژه‌ای در این زمینه دارد و آن، تبیین دقیق ضروری‌ها و اهداف و تعیین حدود و ثغور هر کدام است. معلمان گرامی این درس نیز همین مسئولیت ویژه را بر دوش دارند و با آگاهی‌بخشی به دانش‌آموزان در این امور، به وظیفه الهی خود عمل خواهند کرد، ان شاء الله.

اتومبیلش، جهیزیه‌اش، طلا و جواهراتش از دیگران بیشتر و بهتر باشد. یعنی ملاک برتری و افتخار به‌جای اینکه هدف‌های زندگی باشد، ضروری‌های زندگی می‌شود. امروزه در جامعه ما کسانی هستند که به میزان مصرف بالای برق و آب و غذای خود افتخار می‌کنند، از اینکه هر فرد و خانواده آن‌ها بهترین اتومبیل‌ها را دارد، لذت می‌برند، از اینکه سرویس خواب و مبلمان منزل را از فلان کشور وارد می‌کنند احساس بزرگی و منزلت می‌کنند.

از طرف دیگر، وقتی رقابت افراد جامعه به سمت این ضروری‌ها آمد و این امور ملاک برتری قرار گرفت، کسانی که در این رقابت عقب می‌مانند و بازنده می‌شود (که معمولاً این افراد اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دهند)، احساس می‌کنند که در زندگی شکست خورده‌اند، حسرت گریبان آن‌ها را می‌گیرد و حتی نوعی دشمنی و ستیز نسبت به مرفهین در آن‌ها پدید می‌آید. در چنین جامعه‌ای روح تعاون، همدلی و برادری ضعیف می‌شود و نوع دوستی تضعیف می‌گردد.

در حالی که اگر ضروری‌ها جای اهداف را نگیرند و فقط به‌عنوان ضرورت‌های زندگی به آن‌ها نگرسته شود، مردم، برای به‌دست آوردن آن‌ها، به همان حد ضرورت قناعت خواهند کرد و فرهنگ و سبک زندگی جامعه اصلاح خواهد شد و رقابت و مسابقه بین افراد به سمت اهداف حقیقی خواهد رفت؛ همان اموری که قرآن کریم ما را به رقابت در آن‌ها فراخوانده و فرموده:

«فاستبقوا الخیرات»؛ در امور خیر از همدیگر سبقت بجوید (بقره، ۱۴۸)

«سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها كعرض السماء و الارض» برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و بهشتی که پهنة آن مانند پهنة آسمان و زمین است، پیشتازی کنید